

مجلة الجمعية الإيرانية للغة العربية وآدابها، فصلية  
علمية محكمة، العدد الـ ٧٤، ربيع ١٤٠٤ هـ. ش،

٢٠٢٥ م؛ صص ٣٢٦-٣٠٠

## analysis of the novel “Sundos” by Rula Subeih according to Pierre Bourdieu's Field theory

Article Type: Research

Mitra Alishahi<sup>1</sup>, Mostafa Mahdavi ara<sup>2\*</sup>, Hojjatollah Fesanghari<sup>3</sup>  
Seyyed Mehdy Noory Keyzaghani<sup>4</sup>

### Abstract

In today's busy world, it can be said that what slightly reduces people's suffering are novels that reflect their voices and depict the sweet and bitter social issues of their lives. This major literary genre, by utilizing the characteristic of realism, can provide an attractive experience for the audience. In other words, explaining the thoughts, tendencies, norms and anomalies presented in the work, which is a reflection of the internal and external realities, is one of the functions of this type of literature. This is how the role of sociology and its researchers in the analysis of literary works becomes more prominent. The breadth of sociological theories as a science that examines human interactions is not hidden from anyone. In the meantime, "Pierre Bourdieu" (1930-2002), one of the most famous and outstanding French sociologists, proposed the theory of "field" in order to represent the broad dimensions of social issues in various matters. In this way, many authors in the field of interdisciplinary studies of literature and sociology have examined the connection between literary works and social factors. They have tried to analyze Bourdieu's sociological capabilities while emphasizing the reflection of his theories in these texts. Rula Subeih ", a Jordanian writer, in the novel " Sundos ", which is one of his most attractive works, reflects his thoughts and the conditions and characteristics of Arab societies

---

<sup>1</sup>. PHD Student of Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran, orcid.org/0009-0006-38458131.

<sup>2</sup>. Corresponding author: Associate Professor of Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. orcid.org/0000-0003-1838-747X. Email: m.mahdavi@hsu.ac.ir

<sup>3</sup>. Associate Professor of Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. orcid.org/0000-0002-3429-8461.

<sup>4</sup>. Associate Professor of Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran, orcid.org/0000-0001-7867-4898.

by organizing the components of this theory. This essay tries to examine the mentioned novel with a descriptive-analytical method and in accordance with the "field" theory and explain the author's concerns. The results of the research showed that although the Field theory has a social identity and different natures and, in accordance with the diversity of fields, includes different groups of actors, since the novel of "Sundos" focuses on intra-family relations, the confrontation between the actors is formed within the boundaries between men and women of different groups

**Keywords:** "Sundos" novel, Rula Subeih, Field theory, Pierre Bourdieu, analysis.

### 1. Introduction

Humans, who are one of the most important factors in the formation of society, are affected by it and put an effect on it in a two-way interaction between themselves and the surrounding world. Literature is also a suitable field that reveals people's concerns well. Sociology is also a science that analyzes the connections between them by examining the social factors that affect the creation of literary works. Literature can help the reader better understand the concepts of sociology.. "Pierre Bourdieu", a famous French sociologist, propose the theory of the field, which is one of the most important theories in sociology. Fields are human collections that include various fields from politics to society, culture, economy, literature, religion, art, philosophy, sports, etc. The novel is a literary field that expresses social issues from a sociological perspective and with a social function. Jordanian writer Rula Subeih examines competition, conflict, and human connection in her novel "Sundos" by depicting various fields.

### 2. Literature Review

There are many researches about "Pierre Bourdieu's" field theory, but in relation to the present article, no research has been registered so far. In explaining the distinctiveness of this essay, it should be said that this research has examined the field theory as a whole - of which capital is a part -. Therefore, 1- a broader examination of the field theory as the basis of the research, 2- the introduction of the novel "Sundos", as a literary work whose author is a sociologist and seems to be familiar with Pierre Bourdieu's field theory, are other distinctive aspects of the present research.

### **3. Methodology**

This essay tries to examine the mentioned novel with a descriptive-analytical method and in accordance with the "field" theory and explain the author's concerns.

### **4. Results**

The raised fields in the novel "Sundos" examine numerous challenges and crises in various social, cultural, and economic dimensions. The fields belong to those who prove their superiority and direct the game with their capital. Therefore, capital can be considered one of the most important principles of achieving power. Although the title of the novel expresses a feminist perspective, this theme fades away in the course of the narrative. "Rula" is not an absolute defender of women and both genders are gray in his view and play a role in the creation and reproduction of power.

## تحلیل رمان "سندس" اثر رولا صبیح بر اساس نظریه "میدان"

پیر بوردیو

نوع مقاله: پژوهشی

میترا علیشاهی<sup>۱</sup>، مصطفی مهدوی آرا<sup>۲\*</sup>، حجت‌الله فسقوری<sup>۳</sup>، سید مهدی نوری کیدقانی<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزواری، ایران

۲. دانشیار رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزواری، ایران

۳. دانشیار رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزواری، ایران

۴. دانشیار رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزواری، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۱

### چکیده

در دنیای پرهیاهوی امروزی، شاید آنچه اندکی از رنج آدمیان می‌کاهد، رمان‌هایی است که با آنها هم‌نوا و بازتابی از مسائل اجتماعی شیرین و تلخ زندگی‌شان است. این عمده‌ترین نوع ادبی، با استمداد از شاخصه واقع‌گرایی، می‌تواند تجربه‌ای خواندنی را برای مخاطب فراهم آورد. از این رهگذر است که نقش و وسعت علم جامعه‌شناسی و نظریه‌های جامعه‌شناختی در تحلیل آثار ادبی، پررنگ‌تر می‌نماید. "پیر بوردیو" (۱۹۳۰م - ۲۰۰۲م) یکی از جامعه‌شناسان برجسته‌ای است که در جهت بازنمایی ابعاد گسترده مسائل اجتماعی، نظریه «میدان» را پی‌ریزی کرده است. در این راستا نویسندگان بسیاری در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای ادبیات و جامعه‌شناسی، پیوند آثار ادبی و عوامل اجتماعی را بررسی کرده‌اند. آنان کوشیده‌اند تا ضمن تأکید بر بازتاب نظریه‌های او در این متون، قابلیت‌های جامعه‌شناسی بوردیو را در آن واکاوی نمایند. "رولا صبیح" نویسنده اردنی، در رمان "سندس"، با سازماندهی مولفه‌های این نظریه، اندیشه‌های خویش را به تصویر می‌کشد و شرایط و ویژگی‌های موجود در جوامع عرب را منعکس می‌نماید. جستار پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی، رمان مذکور را منطبق با نظریه «میدان»، مورد بررسی قرار داد و دغدغه‌های صاحب اثر را تبیین نمود. نتایج تحقیق نشان داد که اگرچه نظریه میدان، دارای هویتی اجتماعی و ماهیت‌های متفاوتی است و منطبق با تنوع میدان‌ها، گروه‌های

مختلف کنشگران را دربرمی‌گیرد اما از آنجا که رمان "سندس" بر اتفاقات و روابط درون‌خانواده‌ای متمرکز است، تقابل میان عاملان در محدوده میان مردان و زنان از طبقات مختلف شکل می‌گیرد.

**کلمات کلیدی:** رمان سندس، رولا صبیح، نظریه میدان، پیر بوردیو، تحلیل.

## ١. مقدمه

جهان پیرامون بشر از ساختارهایی خرد و کلان سازماندهی شده است و سرمایه‌های انسانی که مهم‌ترین عامل شکل‌گیری جامعه هستند در تعاملی دوسویه بین خود و دنیای اطراف‌شان دچار تأثیر و تأثر می‌شوند. ادبیات به عنوان محملی مناسب، دغدغه‌های انسان‌ها و نیز چالش‌های خالق اثر را به خوبی هویدا می‌سازد. جامعه‌شناسی نیز بر آن است تا ضمن پرداختن به عوامل اجتماعی در شکل‌دهی آثار ادبی، پیوند آن دو را تحلیل کند. از این رهگذر، درک مفاهیم علم جامعه‌شناسی در قالب ادبیات با توجه به ارتباط گسست‌ناپذیرشان، ملموس‌تر می‌گردد.

در این راستا "پیر بوردیو"<sup>١</sup> جامعه‌شناس و نظریه‌پرداز مشهور فرانسوی سعی کرد با بهره‌گیری از مفاهیمی بنیادی که تا امروز در زمینه‌های مختلف کاربرد داشته است، نظریاتی را پایه‌ریزی کند که «میدان»، یکی از مهم‌ترین آن‌هاست. میدان‌هایی متشکل از مجموعه‌های انسانی که حوزه‌های متعددی از سیاست گرفته تا اجتماع، فرهنگ، اقتصاد، ادبیات، مذهب، هنر، فلسفه، ورزش و ... را دربرمی‌گیرد. در این میان، رمان به عنوان مبحث مورد پژوهش، میدانی ادبی است که از دریچه‌ای جامعه‌شناختی و با کارکردی اجتماعی و تحول‌گرایانه، به بیان جدی مسائل جامعه پرداخته است. این هنر که ترکیبی از تخیل و واقعیت است، مبین حیات تاریخی بشر و ارتباطات انسانی و به تعبیری پژوهاک جامعه است.

"رولا صبیح"<sup>٢</sup>، ادیب اردنی، در رمان "سندس"، واقعیت‌هایی را -چه بسا از تجربه هنری خود- می‌نمایاند که تنها مختص به جامعه عربی نیست. این اثر با ترسیم میدان‌ها به عنوان ساختارهایی متفاوت و تغییرپذیر، نوعی رقابت، کشمکش و تعامل گروه‌های موجود در آن را برجسته می‌کند؛ به تعبیری دیگر رمان "سندس" را می‌توان دنیای ممکن دانست که در آن میدان‌های گوناگون- بویژه بین زن و مرد- به تصویر کشیده شده است و گروه‌هایی از طبقات اجتماعی مختلف بر سر کسب قدرت در رقابت‌اند.

در راستای تحلیل عمیق‌تر این رمان، نگارندگان جستار حاضر برآنند تا برای درک بهتر پیام نویسنده و تجربه ادبی وی، رمان مذکور را در سایه نظریه میدان واکاوی نمایند و به سوالات زیر پاسخ دهند:

۱. کاربرد نظریه «میدان» پیر بوردیو در تحلیل رمان "سندس" چگونه به درک بهتر از متن می‌انجامد؟
۲. چه فرصت‌ها و تهدیدهایی برای دستیابی به تغییرات در میدان‌های مطرح در رمان وجود دارد؟

به نظر می‌رسد نگاه عمیق، بی‌پرده و موشکافانه "رولا صبیح" به مطالبات زنان و آشنایی وی با دانش جامعه‌شناسی سبب شده است تا آگاهانه یا ناخودآگاه جهان‌های خرد نظریه «میدان» را در رمان به تصویر بکشد.

با توجه به وجود استراتژی سلطه در میدان‌ها که مبارزه‌ای در جهت تأمین منافع، دستیابی به جایگاه برتر و حفظ آن و برابری سرمایه‌ها، اندیشه‌ها و مواضع کنشگران است، ناگزیر میدان به گروه غالب واگذار می‌شود مگر اینکه عاملان با کسب منابع و تغییر باورها، رقابت در میدان را به سود خود رقم بزنند. گمان می‌رود "رولا" در اثر خود، توانسته است از طریق جذب و به‌کارگیری منابع مختلف توسط افراد، حاکمیت و شرایط نابرابر موجود در عرصه‌ها را متحول کند.

در ادامه و پس از تبیین این نظریه، به ذکر مفاهیم تئوری و پیشینه پژوهش خواهیم پرداخت و با نگاهی گذرا به زندگی "رولا صبیح"، در شیوه تحلیل مضمون، برخی مضامین کلیدی استخراج می‌شود و به عنوان شاهد مثال مبنای تحقیق قرار می‌گیرد.

#### ۱-۱. شاخصه‌های نظریه میدان

جامعه در ابعاد مختلف خود، میدانی است که از طریق مطالعه زیرمجموعه‌ها، امکانات و محدودیت‌های آن، می‌توان داده‌هایی را استخراج کرد که گویای قواعد اجتماعی است. قواعدی که قابل نقد است و اسباب و علل نابرابری را آشکار می‌سازد. بررسی روابط میان پدیده‌ها با در نظر گرفتن تأثیر متقابل عاملیت و ساختار بر یکدیگر، می‌تواند فرد را به روشنگری برساند. بوردیو با اعتقاد به عدم تقدم عاملیت و ساختار بر یکدیگر، شناخت وقایع را در گرو درک حوزه‌های اجتماعی و ارتباطات و تعاملات موجود در آن می‌داند. «از نظر او،

رویکرد ساختارگرا (عینی) و کنش (عامل) محور (ذهنی)، دوگرایی کاذبی هستند که بسیار به هم مرتبط و در عین حال بسیار گمراه کننده‌اند. این دوگرایی‌ها، به طور کلی قطب‌های نسبتاً ثابت علوم اجتماعی بوده‌اند. بوردیو در ساختارگرایی از کلود لوی استراوس<sup>۳</sup> مهم‌ترین نماینده تفکر عین‌گرا و در ذهن‌گرایی از ژان پل سارتر<sup>۴</sup> متأثر بوده است. در ساختارگرایی این تبیین رایج بود که ساخت‌یابی کنش محصول نیروهای بیرونی است و بس؛ اما بوردیو آن را ناقص می‌داند چرا که معتقد است کنشگران همواره دارای دانشی عملی درباره جهان پیرامون خود هستند و با استفاده از تجربه کنش‌های قبلی نوعی مهارت عملی کسب کرده و ساختار اجتماعی را درونی کرده‌اند و اینگونه است که می‌توانند ضمن توجه به الزامات عینی موجود، کارهایشان را انجام دهند. در تحلیل‌های کنش‌محور (ذهن‌گرایانه)، مشاهده‌گر انگیزه‌های خود فرد را منبع و منشأ کنش در نظر می‌گیرد. بوردیو این رویکرد را نیز از این جهت که الزامات مادی و فرهنگی‌ای را که به کنش‌های افراد شکل می‌دهند نادیده می‌گیرد، نقد می‌کند. کوشش بوردیو این است که نوعی جامعه‌شناسی را بسط دهد که ساختارها را ساختاردهنده و در عین حال ساختمند تلقی کند؛ بدین معنی که کنش را هدایت و مهار می‌کنند و از طرفی نیز به واسطه کنشگران تولید و بازتولید می‌شوند. (جلانی‌پور، ۱۳۸۸: ۳۱۷-۳۱۵) ساختارها به باور بوردیو روابطی اجتماعی هستند که با هدف تداوم حاکمیت بر یک میدان (حوزه)، میان بازیگران یا گروه‌های اجتماعی با قدرت‌های نابرابر ایجاد می‌شوند. هر میدان، عرصه‌ای است که در آن افراد یا گروه‌ها با انگیزه ایجاد استیلاء با یکدیگر وارد رقابت با یکدیگر می‌شوند و از طریق تبادل سرمایه‌های مختلف بر سر آن حاکمیت، مبارزه می‌کنند. (فکوهی، ۱۳۸۱: ۳۰۰-۲۹۹)

پیر بوردیو در نظریه «میدان»، با توصیف هر کدام از فضاها یا جامعه به میدان‌های مختلف و با بهره‌گیری از مولفه‌هایی که در ادامه به معرفی آنها می‌پردازیم توانست تعریفی منسجم از تعامل جامعه فرادست و فرودست ارائه دهد. شایان ذکر است که این محورهای بنیادین، درهم‌تنیده‌اند و از رابطه‌ای دوسویه برخوردارند. تفکیک آنها در این قسمت و بخش تحلیل، صرفاً جهت تبیین بهتر مطالب است:

- «میدان»:

«عرصه‌ای اجتماعی است که مبارزه‌ها یا تکیاها بر سر منابع و منافع معین و دسترسی به آنها صورت می‌پذیرد. میدان‌ها با اقلامی تعریف و مشخص می‌شوند که محل منازعه هستند -

کالاهای فرهنگی (سبک زندگی)، مسکن، تمایز و تشخیص فرهنگی (تحصیل)، اشتغال، زمین، قدرت (سیاست)، طبقه اجتماعی، یا هر چیز دیگری سرمایه به شمار می‌روند- و ممکن است به درجات متفاوتی خاص و انضمامی باشند. هر میدان، به دلیل محتوای تعریف‌کننده خود، منطقی متفاوت و مناسب بدیهی انگاشته متفاوتی دارد که هم محصول و هم تولیدکننده ریختاری است که مختص و درخور آن است.» (جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۳۶-۱۳۵)

- «سرمایه»:

همان منافع و منابعی است که تعارض و تقابل در میدان برای دسترسی به آن اتفاق می‌افتد. «بوردیو چهار نوع سرمایه را مطرح می‌کند: اقتصادی (پول و دارایی)؛ فرهنگی (مانند معلومات علمی؛ سلیقه، زیبایی و ترجیحات فرهنگی؛ زبان و ...)؛ اجتماعی (مانند خویشاوندان؛ خانواده، روابط، میراث فرهنگی و مذهبی) و نمادین (مواردی که نماینده همه اشکال سرمایه به صورت قابل تبادل در میدان‌های دیگر هستند، مانند مدارک تحصیلی و هنری)» (گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۲۹)

- «عادت‌واره»:

عادت‌واره، ساخت‌یافته و ساخت‌دهنده است و طی تجربیات زندگی روزمره به شکل ناخودآگاه کسب و در فرد، درونی شده است و به اعمال و رفتارهای او در گروه و جهان-نگری‌اش در هر موقعیت جهت می‌دهد. سلطه نیز با همین عادت‌واره‌ها، آمادگی‌ها و سلوک بدنی به شکل‌های متفاوتی در بدن‌های سلطه‌گر و سلطه‌بر نهاده شده است. (بوردیو، ۱۴۰۰: ۱۲-۱۱)

- «کنش»:

همان‌طور که گذشت عادت‌واره به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در منظومه فکری پیر بوردیو بر چگونگی بروز عواطف، افکار و رفتار فرد تاثیرگذار است؛ به مجموعه این رفتارها و احساسات کنش گفته می‌شود. جایگاه فرد و عادت‌واره در میدان، تعیین‌کننده نوع کنش اوست، به گونه‌ای که امکان بروز آن در شرایطی خاص را به صورتی متفاوت فراهم می‌آورد. (گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۰۶) تغییر کنش، تغییر در عادت‌واره‌ها و میدان را در پی دارد.

- «خشونت نمادین»:

گاه، گروه فرادست برای حفظ جایگاه خود در میدان، افزایش سرمایه و جلوگیری از هرگونه خطرات احتمالی تهدیدکننده قدرت، ناچار از توسل به راه‌کارهایی است. از جمله ابزارهای

رسیدن به این هدف، خشونت نمادین است که اصول میدان را بهنجار جلوه می‌دهد و عادت-واره تسلیم و به تبع آن، کنش منفعلانه را استمرار می‌بخشد. این مفهوم با اتخاذ رفتارهایی تبعیض‌آمیز، وجود فرودستان را نادیده می‌گیرد و همین انکار است که استراتژی‌های سلطه را بازتولید و آن را تصدیق می‌کند. به تعبیری دیگر «خشونت نمادین به معنای تحمیل نظام‌های نمادها و معناها (فرهنگ)، به گروه‌ها و طبقات است به نحوی که این نظام‌ها به صورتی مشروع تجربه شوند.» (جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۶۳-۱۶۲)

در انتهای این بخش، ذکر این نکته حائز اهمیت است که نظریه مذکور مشتمل بر اصطلاحات دیگری همانند «هیستریسیس» (Hysteresis)، «دوگرا (پنداشت، باور رایج بدیهی)» (Doxa)، «کوناتوس» (سرنوشت، تقدیر، تلاش بی‌حاصل) «(Conatus)، «اینترست» (Interest) و ... است که هر یک جداگانه در تحلیل رمان، بررسی می‌گردد.

## ۲-۱. پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش‌هایی که پیرامون نظریه‌های جامعه‌شناختی "پیر بوردیو" انجام شده و مستقیم و غیر مستقیم با طرح مذکور در ارتباط هستند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مقاله «مطالعه سرمایه‌های اجتماعی زنان عربستان بر اساس نظریه پیر بوردیو، مطالعه موردی رمان "دختران ریاض"» نوشته شده توسط "علی افضلی" و "زینب قاسمی اصل" منتشرشده در دومین شماره "پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت" سال ۱۳۹۶. بررسی سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین در این رمان نشان می‌دهد که در زمینه سرمایه فرهنگی، دختران در مقایسه با مادران خود از وضعیت مطلوبی برخوردارند. در بخش سرمایه‌های اجتماعی، کنترل‌های مردسالارانه دست‌یابی زنان را به آن محدود کرده است. سرمایه اقتصادی نیز در موقعیت مناسبی است اما سرمایه نمادین تحت تأثیر مشکلات در بخش سرمایه اجتماعی و مردسالاری، ضعیف و بسیار اندک است.

مقاله «جلوه‌های تمایز در رمان "اللس و الکلاب" بر اساس الگوی جامعه‌شناختی پیر بوردیو» نگارش "علی صیادانی" و همکاران؛ چاپ‌شده در "نشریه ادب عربی" سال ۱۴۰۰. در رمان مذکور، تمایز و گونه‌ای موقعیت اجتماعی بر اساس نوع و حجم سرمایه‌های افراد شکل می‌گیرد و این وضعیت، طبقه‌ای بافتی را به وجود می‌آورد که عادت‌واره‌های شخصیت‌ها

نیز که ناشی از سرمایه‌ها، ذائقه‌ها و جایگاه اجتماعی افراد در فضاها و اجتماعی است در چهارچوب آن متجلی می‌شود.

مقاله «تبیین نگرش زنان نسبت به اقتدارگرایی مردانه با استفاده از مدل پیر بوردیو مطالعه موردی: "طایفه دهبالایی شهر ایلام" نوشته "سیدخدایار مرتضوی" و "شهین‌دخت پاکزاد" پذیرش شده در "پژوهش‌نامه زنان" (۱۳۹۶). این مقاله با اشاره به ویژگی‌های میدان مردسالاری مانند خوگرفتن تدریجی به اقتدار مردانه، پذیرش قوانین میدان، عدم مبارزه آشکار برای بقاء در میدان و ... دیدگاه زنان نسبت به پدیده مردسالاری را با استفاده از مفاهیم ساختمان ذهنی پیر بوردیو بررسی کرده است.

باید گفت که در ارتباط با عنوان مقاله حاضر، تاکنون تحقیقی به ثبت نرسیده است. در تبیین وجه تمایز جستار پیش رو، وجه افتراق روایت "سندس" با دو مقاله "دختران ریاض" و "اللط و الکلاب"، در این است که در آن‌ها صرفاً سرمایه‌ها محور پژوهش‌اند؛ اما پژوهش حاضر فراتر از پیشینه مذکور، نظریه میدان را به عنوان یک کل -که سرمایه‌ها جزئی از آن است- مبنای تحقیق قرار داده است. بنابراین، ۱- نگاه گسترده‌تر به نظریه میدان به عنوان مبنای تحقیق، ۲- معرفی رمان "سندس"، به عنوان اثری ادبی که نویسنده آن یک جامعه‌شناس است و به گمان نگارندگان با نظریه میدان پیربوردیو آشناست، از دیگر وجوه تمایز پژوهش حاضر به شمار می‌آید.

## ۲. تحلیل رمان "سندس" بر اساس نظریه "میدان":

در جهان عرب، میدان‌داری جنس مذکر که از دیدگاه قریب به اتفاق آنان، امری طبیعی شمرده می‌شود، در برایندهای حاصل، هدفی جز خنثی بودن زنان را دنبال نمی‌کند. «زمانی که جامعه عرب متأثر از شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، به انحطاط گرائید بر وضعیت زنان و جامعه که جنس مونث نیمی و می‌توان گفت همه آن را در بر می‌گیرند، نیز منعکس شد. تا جایی که می‌توان گفت از آنجا که در اخذ تصمیمات، مردان مرکز توجه بودند و زنان کاملاً کنار گذاشته و یا در صورت مشارکت، نگاه دون مرد را متحمل می‌شدند، همواره مسوولیت-های بزرگ به مردان سپرده می‌شد.» (الحمد، ۲۰۰۷: ۲۱) اگرچه در قرون نخستین، بسیاری از مردان همچون زنان، سلطه‌بر بوده‌اند، اما با گذر زمان، عبودیت آنان کم‌رنگ شد و به فنا گرائید؛ این در حالی است که محدودیت جنس مونث، وابستگی وی به مردان را در پی داشته

و نیز امری طبیعی جلوه می‌نماید. (مل، ۱۹۸۸: ۴۰) در حاشیه بودن زنان و در مرکزیت قرار داشتن مردان، هر دو ارمغان عادات و سنت‌هایی است که آگاهانه حصار مذکر بر جنس مخالف را تنگ‌تر و زن را با اصالت و هویتش بیگانه می‌نماید. «از جمله مسائلی که بر این مهم مهر تأیید می‌زند ازدواج است که علی‌رغم پیشرفت جوامع، همچنان بر نقش عمده تقالید اجتماعی در انتخاب زوج تأکید می‌کند و بدون توجه به نظر موافق یا مخالف دختر، تنها بر اساس رأی پدر به عنوان سرپرست خانواده با در نظر گرفتن مصلحت خانواده و شهرت و اصالت اجتماعی، شکل می‌گیرد.» (کیال، ۱۹۸۱: ۳۰-۲۹)

"رولا صبیح" در رمان "سندس"، توانسته است فرادستی مرد و فرودستی زن را در کنش-پذیری قهرمان اصلی داستان "سندس" به تصویر بکشد. او در سلسله طیف‌های مختلف زنان، از ظلم نامشروع گروه مذکر که با نگاهی ابزارگونه به آنان می‌نگرند و گاه ستم زنان به یکدیگر، پرده برداشته و ضمن بیان رنج‌هایی که در گذر زمان بازتولید می‌شوند تحولات و عصیان‌گری زنان را نیز نمایان می‌کند. نمایش اندیشه‌ها و باورهای بیدار و فعال زنان بیان‌گر این سخن است که: «ورود زنان به عرصه نویسندگی نشان‌دهنده جرأت آشکارسازی است؛ به-ویژه زمانی که مرتبط با شکستن حصارها و بطلان اندیشه مردانه در زندگی مردسالارانه باشد.» (ابونضال، ۲۰۰۴: ۲۸) به نظر می‌رسد مردان اگرچه میدان را در دست دارند اما سرسپردگی نسبت به آنچه جامعه و دیگر فضاها، آن را طبیعت آنان و هنجار برای مردان تلقی می‌کنند، خود نوعی انتخاب اجباری است که ظالمانه بر سلطه‌گر بودن آنان مهر تأیید می‌زند. اگرچه همان‌گونه که از عنوان رمان مشخص است، تمرکز بر رنج‌های زنان، مضمون اصلی آن را در برمی‌گیرد اما نویسنده خود را در برابر مردان عرب نیز مسوول می‌داند و ظلم به آن‌ها را نیز به ذهن سپرده است، لذا از این جهت که رمان "سندس" همواره عرصه تقابل و رقابت دو گروه فرادست (در اینجا مردان) و فرودست (زنان) باشد و به تعبیری مردان به نوعی مطلق، میدان را در اختیار داشته باشند، قابل تأمل است. چرا که در بخش‌هایی از داستان، این بانوان هستند که قدرت را در دست دارند و گاهی هم مردان درصدد حمایت از جنس مخالف برآمده‌اند و در قسمت‌هایی نیز این زن است که در مقابل زن، سلطه‌گری می‌کند. به عبارتی دیگر، او گاه میدان را از آن زنان و گاه از آن مردان می‌کند. "رولا صبیح"، در رمان خود از

سلطه نمادینی سخن می‌گوید که بر اقشار مختلف جامعه تحمیل می‌شود و خودآگاه یا ناخودآگاه به اطاعت محض از قوانین درونی شده وادارشان می‌کند. از این رهگذر، نظریه میدان در قالب شواهدی از رمان مذکور تبیین می‌شود.

## ۲-۱. میدان اجتماعی با محوریت استثمار و مملوکیت زنان

در روابط بین‌فردی نهاد خانواده آنجا که قطب مسلط با استفاده از استراتژی تمایزگذاری بین دو جنس مذکر و مؤنث، سرسختانه بر ارزش‌های خود تأکید دارند و در پی تأمین منافع خویشند، زنان به عنوان قطب سلطه‌پذیر با پذیرش بینشی تحمیل‌شده، به قربانیان این عرصه بدل می‌شوند. این مهم در بخشی از رمان "سندس" اینگونه تصویر شده است:

«... هم یقررون مصیری و مصیر اولادی، لم یسألني أحد رأبي و لم یقل لي زوجي أنه سيهاجر. هل أنا كائنٌ غير مرئي؟ ... لا أحد يشعُر بوجودي... حقدتُ عليهم جميعا و لكنني لم أنطق... جاء دوري و جلس معي سليم يعطيني أومره. الأولادُ مسووليتك؛ اعتني بهم و بتعليمهم، و احضري من يعلم مالكا اللغة الإنجليزية و هذا تفويضٌ مني تستطيعين سحب نقود من البنوك التي لي فيها حسابات.» (صبيح، ۲۰۱۶: ۸۱) (... آنها سرنوشت من و فرزندانم را تعیین می‌کنند، هیچ کس نظر مرا نپرسید و همسرم درباره مهاجرتش چیزی به من نگفت. آیا من موجودی نادیدنی هستم؟ ... هیچ کس وجود مرا احساس نمی‌کند... از همگی آنان کینه داشتم اما حرفی نزدم... نوبت من رسید و سلیم در حالی که دستوراتش را صادر می‌کرد کنارم نشست. مسوولیت فرزندان با توست؛ به آنها و آموزششان اهمیت بده و برای سلیم معلم زبان انگلیسی استخدام کن. کار دیگری که به تو می‌سپارم این است که می‌توانی از بانک‌هایی که حساب دارم، پول برداشت کنی.)

در این بخش منزل "حاج مصطفی" به عنوان جهان خرد اجتماعی «میدان» در نظر گرفته می‌شود که متشکل از دو گروه اصلی از افراد است. در این عرصه دو مجموعه با موقعیت‌های اجتماعی مختلف (سندس و فرزندان‌ش در یک سو و خانواده پدری سلیم در طرفی دیگر) وجود دارند. رقابت و تکاپو برای حفظ قدرت از طریق «سرمایه» و افزودن آن صورت می‌گیرد و تعیین قوانین و اصول میدان در اختیار کسانی است که از قدرت بیشتری برخوردارند. "سلیم" در این صحنه تقابل، میدان‌دار است و صرفا با حفظ جایگاه مردسالارانه خویش از

طریق سرمایه اقتصادی و بدون آنکه در موضوعات مهم، مشترک و سرنوشت‌ساز با همسرش مشورت و به او اندک توجهی کند، تصمیم‌گیرنده نهایی است.

از دریچه نگاه مرد، زن موجودی است تک‌بعدی و نه چندبعدی، او صرفاً هموارکننده سرمایه برتری برای عنصر مذکر و از سویی تسهیل‌کننده امور و روابط است. (آبونضال، ۲۰۰۴: ۱۵) سلیم نیز به خوبی توانسته است از این نگرش مردمحور در جهت انقیاد زنان، بهره‌برداری کند و تمایزش را آشکارا فریاد زند. «توجیه اصلی نابرابری میان زنان و مردان، این بود که در ناخودآگاه جمعی سنتی که به دنیای مدرن هم راه یافته، زن همواره در ذیل مرد، به عنوان بخشی از مایملک او، در خدمت او و متعلق به حوزه خصوصی و روابط عاطفی و با کارکرد عمده تولید مثل تلقی شده بود که در هر صورت موقعیتی مستقل ندارد، چه رسد به اینکه برابر باشد.» (پاک‌نیا، ۱۳۹۴: ۳۴-۳۳) "سندس" متأثر از «عادت‌واره» تسلیم که در عباراتی همچون «هم‌یقررون مصیری و مصیر اولادی... لم یسألني أحد رأبي... لا أحد یشعر بوجودي» نمود یافته و متأثر از فرهنگ جامعه و سپس خانواده در ذهن او ساخته شده علی‌رغم کینه‌ای که از خانواده "سلیم" دارد اما به سکوت تن می‌دهد. «کنشی» که محصول قدرت سلطه، قوانین، در اختیار نداشتن «سرمایه» و «عادت‌واره» است. زمانی که اندیشه و افکار سلطه‌بران با مناسبات و طرح‌واره‌های سلطه تحمیلی بر آنان منطبق باشد، فعل‌های حاصل از این ادراکات و شناخت‌ها نیز در آنان لاجرم فعل‌های تصدیق یا تمکین‌اند. (بورديو، ۱۴۰۰: ۳۲) به نظر می‌رسد امتیازی که سلیم برای "مالک" در آموختن زبان انگلیسی قائل است؛ تأکید بر کسب سرمایه نمادین و فرهنگی به طور ویژه برای پسرش باشد تا در مقایسه با دیگران (دختران)، از تسهیلاتی خاص برخوردار گردد.

اما این تنازع همچنان ادامه می‌یابد و "سندس" که پس از اقامت در "المزه"، بستر را مهیا می‌بیند با توجه به علایق "هدی" نه تنها برای او که برای "مالک" نیز که به آن تمایلی ندارد، معلم آموزش موسیقی استخدام می‌کند. در این بخش، "سندس" با تغییر عادت‌واره، انقلابی در «میدان» به وجود می‌آورد و با بهره‌گیری از «سرمایه فرهنگی» که به موقعیت مطلوب او در «میدان» می‌انجامد، «کنشی» متفاوت ایجاد می‌کند. «هي تَعشَقُ العَرَفَ علی العودِ، فأحضرْتُ أستاذَ موسیقی لیعلّمها هي و مالک.» (صبيح، ۲۰۱۶: ۹۱)

آنچه در همین ابتدا و در کنار تحلیل جامعه‌شناختی، از دیدگاه دینی مهم می‌نماید بهره‌مند نشدن زوجین از آرامش است. سکونی جسمی و روحی که خداوند متعال در آیه ۲۱ سوره مبارکه روم از آن یاد می‌کند. این امر محقق نمی‌شود مگر اینکه شوهر، لباس خوشبختی را بر قامت او بپوشاند؛ و آن چیزی نیست جز این که قدرت پنهانی زن، در دل گرم کردن همسر است و مرد در سایه این سکینه، توانمندی‌اش را بروز می‌دهد. (الحمد، ۲۰۰۷: ۱۰۰)

انتخاب دلالت‌برانگیز عنوان رمان و شخصیت‌های آن یکی دیگر از توانمندی‌ها و مهارت‌های نویسنده است. "سندس"، در نگاه نخست، دال بر (پارچه ابریشمی) و بیان‌گر روح لطیف زنان و شخصیت عاطفی آنان است. حال آنکه در سیر داستان، بر عواطف پاک او ضرباتی سهمگین فرود می‌آید و روحش را می‌آزارد. اما از دریچه‌ای جزئی‌تر، برگرفته از «كَسَّ الشَّيْءُ فِي التَّرَابِ» است و بر پنهان شدن هویت و موجودیت او در زیر انبوهی از تقلید جامعه حکایت دارد. گفتنی است که سندس از عطرهای مشهور اردن و دارای رایحه‌ای گرم و ماندگار است؛ چه بسا "رولا"، با استمداد از این اسم درصدد است تا بر حضور جذاب و گرمابخش زنان به عنوان ستون خانواده تأکید کند که اگرچه ممکن است نادیده و نامرئی گرفته شوند اما عطرشان همچنان و در همه فضاها استشمام می‌شود؛ گویی آنان در پی ابراز وجودند و بس. نام "سلیم"، از منظر نشانه‌شناسی، به معنای بی‌عیب و نقص بودن و دارای قدرت داوری درست است. از سویی دیگر، مردی زخمی که مرگش نزدیک باشد را نیز دربرمی‌گیرد که با توجه به پیشینه ذهنی درباره این شخصیت، همین معنا مورد نظر نویسنده است. او اگرچه از نگاه خانواده خود و به ویژه مادرش، در جایگاه یک مرد، میرا از هر گونه کاستی است اما در واقع روحی بیمار دارد؛ چرا که در تعامل با همسرش، بی‌شرمی را از حد گذرانده است اما در پایان رمان و بعد از سکت‌اش که علامتی هشداردهنده است، این قدرت و سلطه - گری رنگ می‌بازد. از سویی دیگر، این نام می‌تواند دربردارنده زخم‌هایی باشد که بر جان و دل او وارد شده است. جراحاتی از نوع سلايق تحمیلی جامعه و خانواده درباره مردسالاری که در نظر سلیم بهنجار جلوه و او را بر بازتولید آن ترغیب می‌نماید و این‌گونه است که با اتخاذ چنین رویکردهایی، همسر و فرزندانش نبودنش را آرزومندند. «لم أحزن علی فراقه، و لكن أبواب الحزن لم تقفل بغیابه، ارتاح جسدی من الإتهاک و الضرب، و لكن کیف لروحي أن

تتخلّص من سموم المتغطّسة زبيدة - إبنة الحسب و النسب، إبنة أكبر عائلات داريا- كل مفاتيح حياة الأسرة بين يديها...» (صبيح، ٢٠١٦: ٢٩)

## ٢-٢. میدان اقتصادی با موضوع اشتغال

اگرچه کیفیت روابط اجتماعی به طور کامل در گرو مسائل اقتصادی نیست اما از تأثیر علیت اقتصادی بر شبکه تعاملات اجتماعی نیز نباید غافل بود. بازار کار و اشتغال، ابزار قدرتی است که می‌تواند به افراد در تحقق هویت فردی و تولید و بسط موقعیت برتر کمک کرده و خطرات احتمالی بیرونی را مدیریت کند.

"سندس" بعد از طلاق ناخواسته و دوری از فرزندان، نیازمند شغل است اما نداشتن استعداد و قابلیت و نه هیچ‌گونه مدرکی، مانع از آن می‌شود تا با دوستش "حنان" که نماد زنان جسور و آگاه است تماس و از او کمک بگیرد. مهربانی، عطوفت و همدلی نهفته در نام "حنان"، نیز موید گزینش آگاهانه اسامی و نگاه عمیق "رولا" است.

بعد از مدتی، طی تماس مجدد با او، قرار ملاقات گذاشته می‌شود. «لا أعرفُ یا سندسُ عن حالِ الأخریاتِ، أما عني فأنا معك. أتصلی بی إذا احتجتِ أئی شیء... فأنا بلا موهلاتٍ و لا شهاداتٍ، فماذا سأقول لها؟ تركتُ موضوعَ الاتصالِ بحنانَ لأكثرَ من شهرٍ، ثم اتصلتُ و طلبتُ أن تقابلني...» (همان: ١١٤-١١٣) (سندس، نمی دانم که دیگران چه می‌کنند. اما من همراهت هستم. به هر چیزی نیاز داشتی، با من تماس بگیر... اما من که نه هیچ‌گونه شایستگی دارم و نه مدرکی، به حنان چه بگویم؟ بیش از یک ماه گذشت و به او زنگ نزدم تا اینکه تماس گرفتم و از حنان خواستم تا یکدیگر را ببینیم). در این ملاقات و پس از صحبت درباره مسائل زندگی‌شان "حنان" از او می‌خواهد تا هر زمان آماده شروع یک زندگی جدید بود به او اطلاع دهد.

زمانی که "سندس" مسأله را با مادرش مطرح می‌کند با مخالفت او مبنی بر مشکل‌آفرینی و عدم موافقت برادرش "احمد" روبرو می‌شود. این در حالی است که مادر، دلایل دیگری را هم برمی‌شمرد از جمله: عدم اشتغال زنان مطلقه در حالی که "صابرین" دختر دیگرش با همین شرایط به خیاطی مشغول است، توهین‌ها و حرف‌وحديث‌های مردم درباره افترای "سلیم" به او به عنوان زن هرزه و برخوردار کنونی او از پس‌انداز. «و لكنك مطلقه فالزومي بيتك... و ابنتك صابرین مطلقه، لماذا سمحت لها بالعمل... لأنها لم تجلب لنا المصائب و كلام الناس كما

فعلتِ أنتِ، و صابرين ليس لديهما ما تعتاشُ منه، أما أنتِ فلديكِ الكثيرُ. و بعدَ أن ينفدَ ما ادَّخرته، ماذا سأفعل؟ انتظرُ الحسنَةَ التي يتصدق عليكِ بها أحمدُ أولَ كلِّ شهرٍ...» (همان: ۱۲۴)

(اما تو مطلقه‌ای و باید در خانه بمانی... صابرين دختری هم طلاق گرفته، چرا به او اجازه دادی کار کند؟... چون او مثل تو برای ما در دسر و مشکل درست نکرده و حرف مردم پشت سرش نیست، از طرفی صابرين سرمایه‌ای ندارد که با آن گذران زندگی کند، اما تو پس انداز زیادی داری. بعد از اینکه سرمایه‌ام تمام شد، چه کنم؟ منتظر صدقه‌ای باشم که احمد اول هر ماه به تو می‌دهد...) در این مثال، «میدان» ترسیم شده، بستری برای تنازع حول محور اشتغال است. "سندس" در تقابل با مادر و نیز برادرش، قرار دارد. مادر، در مقابل هویت طلبی "سندس"، منطبق با ریختار شکل گرفته در ذهنش، «کنشی» منفعل دارد. احساس او ناشی از نداشتن «سرمایه»، «عادت‌واره نظام‌یافته» ترس از احمد (نماینده جامعه مردسالار) و موقعیت تضعیف شده‌اش در خانواده است. (اگرچه نقش مادری که حمایتگری را در خود نهفته دارد، سرمایه‌ای است گرانبها). او با محدود کردن انتخاب‌هایش که می‌تواند موافقت، عدم موافقت و یا میانجی‌گری میان فرزندان و ... باشد آن‌چیزی را که با الگوی ذهنی‌اش هماهنگی بیشتری دارد، ابراز می‌کند.

مادر، در منظومه فکری پیر بوردیو، زنی سنتی است که مفهوم کوناتوس وی را به این مرحله رسانده است. گاهی سوژه‌ها تمایل دارند شکست‌ها و موفقیت‌هایشان را عقلانی بدانند تا از منطق کلی نظم اجتماعی خاصی که در آن پرورش یافته‌اند، حمایت کنند و اینگونه است که «عشق به تقدیر» را جلوه می‌دهند. آنان سرنوشت‌شان را می‌پذیرند زیرا همان است که باید باشد و توقعات ذهنی‌شان را با فرصت‌های عینی زندگی‌شان سازگار می‌کنند. کوناتوس افراد را به تمایلات خاصی می‌کشاند که از طریق عادت‌واره اکتسابی بدان دست می‌یابند و به پروژه و برنامه زندگی فردی آنان سروسامان می‌دهد. (گرنفل، ۱۳۸۹: ۲۶۶-۲۶۲) «این واژه اگرچه معادل-هایی چون سرگذشت، سرنوشت و ... دارد اما در واقع به معنی تلاشی است بی‌حاصل که نتیجه خاصی در پی ندارد. اگرچه کنش‌گر از آزادی برخوردار است اما سلطه ساختار چنان قوی و نیرومند است که تلاش انجام‌شده در چهارچوب آن بی‌حاصل جلوه می‌کند. این موضوع به معنای جبرگرایی مطلق نیست اما نشان می‌دهد که انسان تنها در دایره‌ای محدود توان تغییر محیط اطراف خود را دارد.» (همان: ۳۸)

اما "سندس"، در این بخش از مرز «کوناتوس» می‌گذرد و به این باور می‌رسد که در میدان بودن منافی را برایش به ارمغان می‌آورد که ارزش مبارزه کردن را دارد. این مولفه در منظومه فکری بورديو همان «ايتترست» است. «جامعه‌شناسی، معتقد است که ورای اقدامات عاملان اجتماعی دلایلی وجود دارد که باید آن را یافت؛ عللی که بر اساس آن بتوان دلیل رفتار آنان را توجیه کرد..... به این معنا جامعه‌شناسی فرض را بر این می‌گذارد که عاملان اجتماعی کار مفت انجام نمی‌دهند. این واژه در معنای «میل و منفعت» پذیرفتن این است که بازی (میدان)، ارزش بازی کردن را دارد و بودن در آن و نتایجی که به دست می‌آید شایستگی در تعقیب آن رفتن را دارد؛ و این همان به تعبیر دیگر، به رسمیت شناختن بازی و دستاورد آن است.» (بورديو، ۱۳۸۰: ۲۰۱-۲۰۰)

"سندس" که از هیچ‌گونه مهارت و یا مدرکی «سرمایه فرهنگی» برخوردار نیست با داشتن سرمایه دیگری به نام "حنان" امیدوار است تا بر مشکلات فائق آید. ارتباط صمیمی میان آنها و نیز حمایت‌های بی‌دریغ "حنان" از او، «سرمایه‌ای اجتماعی» برای هر دوی آنهاست. او اکنون با کسب سرمایه‌هایی همچون هویت‌طلبی، اعتماد به نفس و خودباوری، توانسته است موقعیت خود را در خانواده بهبود بخشد. «سأخْرُجُ و أنْطَلِقُ و سأكونُ سندس التي لا تعرفنَّها...» (صبح، ۲۰۱۶: ۱۲۴) (از خانه بیرون می‌زنم و رها می‌شوم و تبدیل به سندسی خواهم شد که نمی‌شناسیش).

"حنان" از شرایط روحی "سندس" و عدم آمادگی او برای آغاز یک زندگی نو در سایه اشتغال، آگاه است؛ لذا به او زمان می‌دهد تا به درجه‌ای از نشاط و پویایی برای پذیرفتن آن برسد. در اینجا، اصطلاح «هیستریسیس»، میان «میدان» و «عادت‌واره» نمود دارد؛ پیشنهاد اشتغال به عنوان تحولی شگرف، در «میدان» رخ می‌دهد اما سازگاری با وضعیت جدید و پذیرفتن آن زمان‌بر است و «عادت‌واره» در حال حاضر، «کنش» مثبتی به این تحول نشان نمی‌دهد. «در رابطه میان میدان و عادت‌واره، عادت‌واره به صورتی مدام سعی می‌کند خود را با شرایط میدان تطبیق دهد اما گاهی تغییرات عظیم و ناگهانی در میدان روی می‌دهد و عادت-واره باید به این تغییرات هم واکنش نشان دهد اما این عمل نیاز به زمان دارد. در واقع نوعی گسست (شکاف) بین عادت‌واره و میدان روی می‌دهد که بورديو به آن ناسازی می‌گوید.» (گرنفل، ۱۳۸۹: ۳۷)

## ۲-۳. میدان فرهنگی با تمرکز بر نظام تصورات قلبی و مشروع داخلی

به نظر می‌رسد بازتاب ارزش‌های جامعه در خانواده با توجه به رابطه درهم‌تافته میان این دو نهاد، امری ناگزیر است. قوانینی تثبیت شده در درون افراد که اگرچه در تعارض با امنیت سلطه‌بران و مولد محدودیت برای آنان است اما در جهت تولید و بازتولید نابرابری، موثر واقع می‌شود.

"سندس" با کوچک‌ترین اعتراضی، محکوم به مجازات می‌شود و تحقیر را با عمق وجود خویش احساس می‌کند. آنجا که او از کارهای سلیم و خانواده‌اش به خاله‌اش "فتحیه" پناه می‌برد، اینگونه مورد خطاب مواقع می‌شود: «أنتِ عنیدهٌ یا سندسُ علیکِ أنِ تکوینی مطیعة، ... مَنْ مَنّا لم تعش فی کنفِ اهلِ زوجِها، هم الآن اهلُکِ و علیکِ أن تعنادی علی حیاتیهم. کیف هم اهلِی و هم یجهلوننی؟!... تثنکی حماقی أننی لا أجد الطهو،... أنتِ تستحقین هذه المعاملة من زیدة... علیکِ بطاعة زوجک لیحبُکِ، أنتِ الآن فی بیته و هو فقط من له علیکِ سلطاناً... بعد کلامِ خالتي انغلقت الدائرة من حوِلی و استسلمتُ... لا مفرّ من الانصیاع لسلیم و أمّه، استجرتُ بخالتي فتحیة فکانت مثلهم جلاداً أوجعت قلبي بسیاط کلماتها.» (صبیح، ۲۰۱۶: ۲۸) (سندس، تو لجبازی، بایستی مطیع باشی،... کدام یک از ما زنان با خانواده همسرش زندگی نکرده، اکنون آنها خانواده تو آند و باید به زندگی‌شان عادت کنی. آنها مرا نادیده می‌گیرند، چطور می‌توانند خانواده‌ام باشند؟... مادر همسرم گله می‌کند که آشپزی بلد نیستم... تو مستحق این چنین رفتاری از طرف زییده هستی... برای اینکه محبت و دوستی همسرت رو جلب کنی باید تسلیم او باشی، تو الآن در خانه او زندگی می‌کنی و تنها اوست که اختیاردار توست... بعد از شنیدن صحبت‌های خاله‌ام خود را محصور در دایره‌ای دیدم و تسلیم شدم... چاره‌ای جز پذیرفتن اوامر سلیم و مادرش نداشتم، به خاله‌ام فتحیه پناه بردم اما او هم مثل آنان قلبم را با تازیانه سخنانش به درد آورد.) "رولا صبیح"، با شفاف‌سازی و برجسته‌سازی مسائل زنان، بر این نکته تأکید می‌کند که: «آنچه طبیعت زنان نامیده می‌شود وضعیتی است که در نتیجه شرایط تحمیل شده اجتماعی و تربیت فرهنگی به وجود آمده است.» (پاک‌نیا، ۱۳۹۴: ۴۲) «اسمعی أیتها العاهرة أنتِ هنا لتنفذی أوامری و أوامرِ أمی، لا تخزجی إلا معها و یاذبی...» (صبیح، ۲۰۱۶: ۲۴) (ای زن بدکاره، گوش کن. تو اینجا ای تا دستورات من و مادرم را اجرا کنی، از خانه پا بیرون نمی‌گذاری مگر همراه او و با اجازه من...)

در این قسمت، ساختار فرضی بین دو طیف از زنان ترسیم شده است و به تعبیری زن در برابر زن، قدرت طلبی می‌کند. اگرچه ظاهراً در این عرصه، عنصر مرد غایب است اما تربیت-یافتگان نظام مردسالار، با قرار گرفتن در جبهه مردان، حضوری پررنگ دارند. خانواده - و در اینجا "فتحیه" نماینده خانواده- که سرمایه‌ای اجتماعی قلمداد می‌شود با غیرمنطقی خواندن انتظارات به حق "سندس" و محروم کردن او از چنین دارایی گران‌بهایی، عادت‌واره زندگی در کنار خانواده همسر را به او تحمیل می‌نماید؛ همان‌گونه که با افزایش سرمایه برای مردان موجب استحکام موقعیت آنان می‌گردد. گزینش آگاهانه جملاتی همچون «أنتِ عبدة، لابد أن تكوینی مطیعة، عليك أن تعتادي علی حیاتهم، هم یجهلونني... عليك بطاعة زوجك لیحبك... هو فقط من له عليك سلطان... انغلقت الدائرة من حولي و استسلمت... لا مفر من الانصياع لسليم و أمه» دال بر کنش منفعلانه و نظام ذهنی ساخت‌یافته و ساخت‌دهنده است، ضمن اینکه خشونت نمادین را در نادیده‌گرفتن زن به‌عنوان مصداق بارز آن متجلی می‌کند. کنش در میدان‌ها بسته به عادت‌واره افراد، منافع و کسب سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین شکل می‌یابد و این قدرت است که اصول و قواعد میدان را تنظیم می‌نماید. در نهایت فرد یا گروهی پیروز عرصه است که سرمایه‌های بیشتری در اختیار دارد.

نویسنده در این رمان، سلطه‌گری مردانه و به تبع آن ظهورش را در شخصیت‌هایی همچون "زیبده"، "فتحیه"، "مادر سندس" و ... ترسیم می‌نماید که همگی نماینده جامعه در حال گذار اردن هستند. وی با بهره‌گرفتن از شخصیت‌هایی مانند "سندس" و دخترانش "سیرین" و "رنین" و ... حاکمیت نظام مردسالار بر زنان را به‌عنوان اصلی پذیرفته و بدیهی از سوی جامعه عرب و خانواده، به تصویر می‌کشد. به اعتقاد "مل" حاکمیت مردان بر زنان از آنجا که مبتنی بر قدرت نیست متمایز از دیگر سلطه‌گری‌هاست؛ او آن را حکمی می‌داند که زنان خود داوطلبانه پذیرایش هستند و با اراده خود و به دور از هیچ‌گونه شکایتی، در آن مشارکت می‌کنند. (مل، ۱۹۹۸: ۵۱)

## ۲-۴. میدان فرهنگی با محوریت دوگانگی ارزش‌ها و توابع و پیامدهای آن

ساختار هر جامعه، همواره الگوهایی از فرهنگ را به عاملان اجتماعی عرضه می‌کند؛ دستورالعمل‌هایی که گاه بی‌هیچ ملاحظه‌ای، ملاک‌های ارزیابی سبک زندگی را تعیین و به آن مشروعیت می‌بخشد. اینجاست که سهم فرهنگ‌های متفاوت در ایجاد اختلاف، شکاف و

نابرابری مهم می‌نماید. کنشگران با هدف خودسالاری که محصول ساختارهای اجتماعی است در رویارویی و مواجهه با یکدیگر، پیوسته بر گزینش و تحمیل روش‌های زندگی خویش تأکید و آن را بازتولید می‌کنند.

دیدار "عبدالله" - همسر "فاتن" خواهر سندس - در روزهای سراسر آشفته‌گی او، مسائلی را در ارتباط با ستم‌دیدگی هر دو جنس می‌نمایاند. او از ازدواج قبلی‌اش با "کریستینا" این - گونه سخن می‌گوید: دیدار "عبدالله" - همسر "فاتن" خواهر سندس - در روزهای سراسر آشفته‌گی او، مسائلی را در ارتباط با ستم‌دیدگی هر دو جنس می‌نمایاند. او از ازدواج قبلی‌اش با "کریستینا" این‌گونه سخن می‌گوید: «تَزَوَّجْتُهَا وَ قَرَّرْتُ أَنْ أَقْضِيَ مَعَهَا عَمْرِي بِأَكْمَلِهِ، وَ لَكِنْ عَقْلِي الْعَرَبِيَّةُ كَانَتْ تَصْحُو بَيْنَ الْفَيْنَةِ وَ الْأُخْرَى، وَ هَيْءَ إِلَيَّ أَنْي أَسْتَطِيعُ قَوْلِبَتَهَا كَمَا أَرِيدُ. وَ هَلْ مِنْ السَّهْلِ قَوْلِبَةُ النَّاسِ وَفَقًا لِمَا نَرِيدُ؟ بِالطَّبَعِ لَا، وَ لَكِنْ نَحْنُ مَعْشَرُ الرِّجَالِ، وَ الْعَرَبُ خَاصَّةً، تُصَوِّرُ لَنَا عَقُولُنَا أَنَّا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَحْتِ شَخْصِيَّةَ الْمَرْأَةِ حَسَبَ أَهْوَائِنَا... لِأَنِّي أَرَدْتُ تَفْصِيلَهَا عَلَى مَقَاسِي الْجَدِيدِ الَّذِي يَنَاسِبُنِي وَ يَنَاسِبُ مَجْتَمَعِي، أَرَدْتُ أَنْ أَفْرَضَ عَلَيْهَا وَاقِعِي، أَنْ أَسْطُو عَلَى مَعْتَقَدَاتِهَا، أَرَدْتُ أَنْ تَلْغِي نَفْسَهَا لِأَجْلِي وَ مَا تَرَبَّيْتُ عَلَيْهِ، بَدَا الْخِلَافُ عِنْدَمَا طَالِبْتُهَا أَنْ تُعَيِّرَ طَرِيقَةَ لِبَاسِهَا... لَمْ تَسْتَوْعِبْ أَنِّي عِنْدَمَا أَكُونُ بَيْنَ أَهْلِي تَكُونُ الْقِيُودُ أَكْبَرَ مِنِّي، أَنَّ مَا أَسْمَعُهُ مِنْ انتِقَادَاتِ كَانَتْ تَقْتُلُ مِشَاعِرِي نَحْوَهَا، فَقَدْ كَانَتْ كُلُّ تَصَرُّفَاتِ كَرِيسْتِينَا تَنْدَرُجُ فِي خَانَةِ الْمَمْنُوعَاتِ لَدَى أَهْلِي...» (صبيح، ۲۰۱۶: ۵۷-۵۶) (با او ازدواج کردم و تصمیم گرفتم تمام عمرم کنارش باشم، اما ذهنیت عربی‌ام گاه‌گاهی بیدار می‌شد و تلنگری به من می‌زد که می‌توانم او را به هر شکلی که می‌خواهم درآورم. آیا تغییر مردم مطابق خواسته‌هایمان، آسان است؟ قطعاً خیر، اما افکار ما گروه مذکر و به ویژه مردان عرب این‌گونه برایمان مجسم می‌کند که می‌توانیم شخصیت زن را مطابق تمایلات مان شکل دهیم و بتراشیم... چرا که من قصد داشتم او را منطبق با معیارهای جدیدی که مناسب من و جامعه‌ام است درآورم و خود واقعی‌ام را بر او مسلط کنم و متعرض باورهایش شوم. از او خواستم تا خودش را به خاطر من و آداب و رسوم نادیده بگیرد. ناسازگاری بین ما زمانی آشکار شد که از او خواستم تا نحوه پوششش را تغییر دهد... او نمی‌توانست این موضوع را هضم کند که زمانی که کنار خانواده‌ام هستم قیدوبندها بر من فائق می‌آیند. انتقاداتی که علیه او می‌شنیدم تمام احساساتم را نسبت به او

می‌کشت و از بین می‌برد. تمامی رفتارهای کریستیانا از نظر خانواده‌ام ممنوع و غیرقابل قبول بود.

یکی از نکات برجسته در این رمان، تبیین منصفانه مسائل است. "رولا"، هر دو جنس را در شکل‌گیری پدیده‌های ناپسامان جامعه و به تبع آن خانواده دخیل دانسته و عمق حوادث را ریشه‌یابی می‌کند. در مثال مذکور، با مردی به نام -عبدالله- روبرو هستیم. گویی، او آمده تا دلالتی بر نامش باشد. به نظر، او با مباحثه‌ای دو سویه و منطقی با "سندس"، انتقال تجربیاتش، شنیدن سخنانش و ارائه راه حل، عبد خدا بودن را به حق اثبات کرده است؛ اگرچه بر اشتباهات گذشته‌اش صحنه نمی‌گذارد و آن را با جان و دل می‌پذیرد. وجه تسمیه دیگری که برای آن می‌توان در نظر گرفت، اینکه او می‌پذیرد مرد و زن هر دو بنده خداوندند و بنابراین در این مقام، می‌بایستی شایسته حق بندگی را ادا کنند و خود را بر دیگری مقدم و برتر ندانند. "عبدالله"، اکنون به مرحله‌ای رسیده که بدون نگاه تفکیک‌برانگیز جنسیتی، به حقایق جاودانه نظم مذکر و قواعد سنتی بی‌چون و چرا در قالب‌سازی و تکوین ذهنی افراد جامعه و به ویژه عنصر مذکر، اشاره می‌کند؛ به گونه‌ای که آن را برای جنس بشر بدیهی جلوه می‌نماید. این همان پنداشت و باور رایجی است که در علم جامعه‌شناسی از آن به «دوگزا» تعبیر می‌شود؛ کلیشه‌ای که صرفاً و تنها بایسته‌های از پیش تعیین شده بدیهی را در اندیشه (عادت‌واره) سلطه‌بران حکاکمی می‌کند و آنان را محکوم به پذیرش آن می‌نماید. در تعریف این اصطلاح، آمده است: «دوگزا یا باور رایج به مثابه شکلی نمادین از قدرت نیاز دارد آنانکه تحت سلطه‌اش هستند مشروعیت آن و مشروعیت به‌کارگیرندگان آن را زیر سوال نبرند و آن را به‌گونه امری بدیهی بپذیرند.» (گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۹۲) "عبدالله" قربانی این کلیشه‌سازی شده است و در زندگی با کریستیانا، با بازتولید آن به میدان‌داری خود ادامه می‌دهد. استفاده زیرکانه نویسنده از عباراتی که در ادامه می‌آید، خود مهر تأییدی بر این مولفه است. «عقلیتی العریبة کانت تصحو بین الفینة و الأخرى وهیءة إلیّ أني أستطیع قولتہا کما أريد... و لكن نحنُ معشر الرجال، و العربُ خاصة... نحت شخصية المرأة حسب أهوائنا...»

در این قسمت، جنس مذکر با تکیه بر عادت‌واره‌های خود و حربه خشونت نمادین که سرمایه‌های او محسوب می‌شوند، قدرت را در دست می‌گیرد. او به عنوان نیروی غالب، ذاتا باید قدرت‌نمایی کند و خط‌قرمزهای جامعه و خانواده را محترم بشمارد؛ بنابراین با رفتارهای همسرش که تنها مانع استمرار و استحکام قدرت او هستند، مبارزه می‌کند. به گفته "مل": «

تمام کسانی که خواهان قدرتند، تمایل دارند تا آن را بر نزدیک‌ترین افراد پیرامون‌شان که با آنان زندگی می‌کنند اعمال نمایند. زمانی که سلطه‌گری صرفاً مبتنی بر قدرت باشد حتی اگر مورد تأیید دیگران هم نباشد، اما همچنان ادامه می‌یابد و نجات و رهایی از یوغ آن، بسیار دشوار و به تدریج خواهد بود و این جاست که کار سخت‌تر و طاقت‌فرساتر است و قدرت-مندان در این حالت و در مقایسه با دیگر شرایط و در راستای جلوگیری از هرگونه تمرددطلبی، از تسهیلات بیشتری برخوردارند.» (مل، ۱۹۹۸: ۴۷)

اما در ادامه "کریستینا"، بر کنترل‌ها و تابوهای همسرش می‌تازد و خود را از این فرودستی رها می‌کند. او در مقابل نظرات تحمیلی "عبدالله" که با درخواست تغییر پوشش آغاز می‌شود، منفعل عمل نمی‌کند و خود را زنی متمدن می‌داند. "کریستینا" با داشتن سرمایه‌هایی همچون تحصیلات عالی و تمدن، قواعد میدان را متحول می‌کند و آن را در دست می‌گیرد تا در کنشی متفاوت، خود را از حصار دیگری بودن نجات دهد. «أنا رجلٌ شرقيٌّ يا كريستينا، لا أحتمل منظرک و أنتِ ترتدين لباسَ البحرِ الفاضح. و تسهرين مع أصدقاتک في نهايةِ الأسبوعِ حتى الصباح. ألم تفکري بأنکِ مُسَيَّرَ رجولتي بِتصرُّفاتکِ هذه؟ مَنِّيْتُ أن أعودَ من عملي لأجدَ عشاءي جاهزاً... رَدَّت عليَّ بِرُودٍ إنجليزيةٍ: أوامرکِ هذه تَنفَعُکِ مع فتاةٍ تُعلِقُ أبواباً عليها، أما أنا، فأنتِ تعرفُ أكثرَ من غيرکِ أنني أفوقُکِ خبراً و علماً و ثقافَةً...» (صبيح، ۲۰۱۶: ۵۹) (کریستینا من مردی شرقی‌ام و تحمل دیدن ظاهرت را زمانی که مایو می‌پوشی ندارم. نمی‌توانم بپذیرم که آخر هفته را با دوستانت تا صبح بیداری. فکر نمی‌کنی که با این‌گونه رفتارها مردانگی‌ام را نشانه می‌روی؟ آرزو داشتم زمانی که از سر کار برمی‌گردم شامم را آماده ببینم... با سردی و به زبان انگلیسی پاسخ داد: دستوراتت در کنار دختری که تمام درها را به رویش بسته‌ای سودمند می‌افتد، اما در مورد من، خودت بیشتر از بقیه می‌دانی که در مهارت، آگاهی و دانش و فرهنگ از تو برترم...) "کریستینا" با اتخاذ چنین رویکردی بر سخن "سارا گریمکه" (Sarah Grimke) تأکید می‌کند که: «عقاید موروثی برای من اعتباری ندارد، چون عموماً عقاید افرادی است که منافی در آن داشته‌اند. این‌که نظامی از رفتار نسل به نسل به ما رسیده است دلیل کافی برای پذیرفتن آن نیست. من هر عقیده و شیوه رفتاری را خودم شخصاً بررسی می‌کنم. من ساخته و پرداخته شده‌ام که برای خودم فکر کنم و تصمیم بگیرم و از این امتیاز همواره استفاده کرده‌ام.» (پاک‌نیا، ۱۳۹۴: ۳۸)

در پاسخ به سوالات تحقیق و با توجه به آنچه در جستار حاضر گذشت، نتایج زیر حاصل می‌شود:

- "رولا صبیح" در رمان "سندس"، اگرچه با گزینش جملات و عبارات، مفاهیم نظریه «میدان» را به تفکیک نمایان می‌کند اما بر اساس ویژگی این نظریه یعنی ارتباط تنگاتنگ مولفه-ها، مفاهیم را در دل هم جای می‌دهد و آن‌ها در کنار یکدیگر است که معنا می‌یابند. میدان‌های مطرح‌شده در رمان مذکور، چالش‌ها و بحران‌های متعددی را در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به تصویر می‌کشد. بررسی جامعه‌شناختی مسائل از دریچه نظریه «میدان»، ضمن اینکه مخاطب را به نگاهی جامع و علمی نسبت به جهان پیرامون، فرا خوانده، به نحوی جزئی‌تر، عوامل متعددی را تحت عنوان مفاهیم جامعه‌شناسی در بروز رخدادها، معرفی می‌نماید که درک این مقوله‌ها، بینشی ژرف را به دنبال خواهد داشت.

- کارکرد انحصاری میدان بر سر مسائل مشخص، همواره از آن کسانی است که با سرمایه-های خود برتری‌شان را اثبات و بازی را هدایت می‌کنند. لذا سرمایه را می‌توان مهم‌ترین اصل در تعیین قدرت‌مداران میدان تلقی نمود. ردپای این شاخص که با توجه به بسامد بالای اقسام آن، مستلزم پژوهشی جدید است، در رمان مذکور و در مواردی همچون حمایت‌های نابجای سلیم و خانواده‌اش از مالک، اشتغال و کسب استقلال مالی، تحصیلات و ... قابل مشاهده است.

- میدان‌ها به دلیل دربرگرفتن گروه‌های انسانی، ذاتا حوزه‌ای اجتماعی هستند؛ در حالی که صرفا چالش‌هایی از این نوع را در خود نگنجانده‌اند، بنابراین چه بسا در بطن یک میدان، به دلیل درهم‌تنیدگی مسائل، منفعتی در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، قابل واکاوی است. لذا جداسازی میدان‌ها اندکی با محدودیت روبروست و چالش اساسی مطرح‌شده در هر میدان، معیار نام‌گذاری آن است.

- اگرچه عنوان رمان، بیان‌گر سیری فمینیستی است اما در روند روایت، این موضوع رنگ می‌بازد. رولا مدافع بی‌چون و چرای زنان نیست بلکه هر دو جنس از نگاه او خاکستری‌اند و در پیدایش و بازتولید قدرت، نقش دارند.

پیوست

۱. (Pierre Bourdieu)

۲. "رولا صبیح"، ادیب اردنی، در کارنامه ادبی خود داستان‌های کوتاه بسیار و سه رمان با نام‌های "سندس"، "حیاء بعد الموت" و "ترانیم الحب و الخوف" را به ثبت رسانده است. او علاوه بر میراث عربی، از ادبیات روسی و فرانسوی نیز تأثیر پذیرفته است. <https://pen-sy.com/34526/>. فعالیت در سمت متخصص علم جامعه‌شناسی در انجمن امور بانوان طی سال‌های مدید دریچه دیگری را به رویش گشود و با جهان سراسر رنج زنان آشنا و به طور ویژه بر دنیای آنان متمرکز شد (<https://subahiyaneews.com/2019/03/09/>).

۳. Claude Lévi-Strauss

۴. Jean-Paul Sartre

## منابع

### کتاب‌ها

- أبونضال، نزية (۲۰۰۴)، *تمرد الأنتی (في رواية المرأة العربية و بيلوغرافيا الرواية النسوية العربية)* (۲۰۰۳-۱۸۸۵)، الطبعة الأولى، المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۰)، *نظریه کنش*، مترجم: سیدمرتضی مردیها، چاپ اول، تهران، نقش‌ونگار.
- ..... (۱۴۰۰)، *سلطه مذکر*، مترجم: محسن ناصری‌راد، چاپ اول، تهران، آگه.
- پاکستانیا، محبوبه، و مردیها، مرتضی (۱۳۹۴)، *سیطره جنس*، چاپ سوم، تهران، نشر نی.
- جلالی‌پور، حمیدرضا، و محمدی، جمال (۱۳۸۸)، *نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی*، چاپ دوم، تهران، نی.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵)، *پیر بوردیو*، مترجم: لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، چاپ اول، تهران، نی.
- الحمد، أنور حمد، الأمين، محمد، و الصباغ، أحمد (۲۰۰۷)، *المرأة المعاصرة بين الواقع و الطموح*، الإصدار السادس، الكويت، سلسلة إصدارات الوعي الإسلامی.
- صبیح، رولا (۲۰۱۶)، *سندس*، الطبعة الأولى، بیروت، الدار العربیة للعلوم ناشرون.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱)، *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*، چاپ اول، تهران، نی.
- کیال، باسمة (۱۹۸۱)، *تطور المرأة عبر التاريخ*، بیروت- لبنان، مؤسسة عزالدین للطباعة و النشر.
- گرنفل، مایکل (۱۳۸۹)، *مفاهیم کلیدی پیر بوردیو*، مترجم: محمدمهدی لیبی، چاپ اول، تهران، افکار.

- مل، جون ستيوارت (١٩٩٨)، استعباد النساء من سلسلة كتب الفيلسوف ... و المرأة، المترجم: امام عبدالفتاح امام، الطبعة الأولى، القاهرة، مكتبة مدبولي.

### سایت های اینترنتی

- الأخرس، رياض محمد (٢٠١٩)، آخرین دسترسی در ٨ / ١٠ / ١٤٠٢، مصاحبه با رولا صبيح با عنوان «رولا صبيح توثق بروايتين عذابات السوريين في وطنهم و مهجرهم و مشاكلنا مع الموروث الاجتماعي و الديني»، <https://subahiyaneews.com/2019/03/09>

- شميس، رفعت. (٢٠٢٠)، آخرین دسترسی در ٨ / ١٠ / ١٤٠٢، «مصاحبه با رولا صبيح با عنوان « حوار النفحات مع الروائية الأردنية السورية المغتربة»»، <https://pen-sy.com/34526>

### references

#### Books

- Abunezal, Nazia. (2004) , female rebellion (in the narrative of the Arab woman and the bibliography of the Arab female narrative (1885-2003)); The first edition, Al-Mossah Al-Arabiya for studies and publications.
- Bourdieu, Pierre. (2002) , theory of action, translated by: Syed Morteza Mardiha, first edition, Tehran: Naqsh-Vangar.
- ..... (2022) , male dominance, translated by: Mohsen Naseri-Rad, first edition, Tehran: Agah.
- Pak Niya, Mahbube, and Mardiha, Morteza. (2016) , gender dominance, Third edition, Tehran: Ney Publishing.
- Jalaeipour, Hamidreza, and Mohammadi, Jamal. (2010), Recent Theories of Sociology, second edition, Tehran: Ney.
- Jenkins, Richard. (2007) , Pierre Bourdieu, translated by: Leila Javafshani and Hassan Chavoshian, first edition, Tehran: Ney.
- Al-Hamad, Anwar Hamad, Al-Amin, Mohammad, and Al-Sabbagh, Ahmed. (2007) , Modern women between reality and ambition, The sixth version, al-Kuwayt: the series of versions of Islamic knowledge.
- Subeih, Rula. (2016) , Sundos, The first edition, Beirut: Al-Dar al-Arabiya Lel-Uloom Publishers.
- Fakouhi, Nasser (2003), History of Thought and Anthropological Theories, first edition, Tehran, Ney.
- Kayyal, Basima (1981), Women's Evolution Through History, Beirut, Lebanon, Ezaddin Publishing House.
- Grenfell, Michael. (2011) , Pierre Bourdieu's key concepts, translated by: Mohammad Mahdi Labibi, first edition, Tehran: Afkar.
- Mill, John Stuart. (1998) , Enslavement of women, series of the books of the philosopher... and women; translated by: Imam Abdul Fattah Imam; First edition, Cairo: Madbouli School.

#### Websites

- Akhars, Riyad Mohammad. (2019) , Accessed on 8/10/1402. Interview with Rula Subeih with the title "Rula Subeih focused on the sufferings of the Syrians in their homeland and exile and our problems with the social and religious heritage in the two narratives ", <https://subahyanews.com/2019/03/09/>
- Shamis, Rafat. (2020) , Accessed on 8/10/1402. Interview with Rula Subeih entitled "Conversation with a Jordanian-Syrian writer far from the homeland", Syria:. <https://pen-sy.com/34526/>

## دراسة رواية "سندس" لرولا صبيح على ضوء نظرية "ميدان" لبير بورديو

## نوع المقالة: أصلية

ميترأ عليشاهي<sup>١</sup>، مصطفى مهدوي آرا<sup>٢\*</sup>، حجت الله فسقري<sup>٣</sup>، سيدمهدى نوري كيدقاني<sup>٤</sup>

١. طالبة مرحلة الدكتوراه في قسم اللغة العربية و آدابها بجامعة الحكيم السبزواري، سبزوار، ايران.

٢. أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية و آدابها بجامعة الحكيم السبزواري، سبزوار، ايران.

٣. أستاذ في قسم اللغة العربية و آدابها بجامعة الحكيم السبزواري، سبزوار، ايران.

٤. أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية و آدابها بجامعة الحكيم السبزواري، سبزوار، ايران.

تاريخ قبول البحث: ١٤٠٤/٠٤/٢٢

تاريخ استلام البحث: ١٤٠٣/٠٦/٢١

## الملخص

تعتبر الرواية من أروع الأنواع الأدبية وأكثرها تمتعاً، في العالم الفوضوي الراهن والتي تخفف من آلام المتلقي من خلال انعكاس شتى قضاياها الاجتماعية. وبعبارة أخرى، إنها تحمل إلى القاري الأفكار و الهواجس، الأعراف و الشذوذ المجتمعية والتي تعتبر صدى للواقع الداخلي والخارجي. ومن هذا المنطلق، يتبلور دور علم الاجتماع و الدراسات الاجتماعية بوضوح. بما أن نظريات علم الاجتماع بوصفه علماً يعالج العلاقات البشرية، فأتساعها لا يخفى على أحد. يُعدّ بير بورديو الفرنسيّ من أبرز الذين أنشأوا نظرية (ميدان)، بغية تمثيل جوانب المسائل الاجتماعية المتسعة في المجالات المختلفة. قام العديد من الكتاب بدراسة العلاقة القائمة بين الآثار الأدبية و العلم المشار إليه في ضوء (حقل) الدراسات المتعددة الإختصاصات. إنهم أكدوا على انعكاس نظرياته على النصوص محاولين دراسة قدرات بورديو السوسولوجية فيها. ترسم الروائية الأردنية "رولا صبيح" في إحدى أعمالها الرائعة «سندس» أفكارها حسباً لمكونات النظرية هذه في حين تنعكس ظروف المجتمع العربي و مواصفاته. جاءت هذه الدراسة لتحليل الرواية المذكورة وتصوير تحديات الكاتبة منتهجة على منهج الوصفي - التحليلي. تدلنا نتائج البحث على أن نظرية ميدان وإن هي ذات طابع اجتماعي وطبائع مختلفة و بحسب تنوع الميادين، فإنها يمكن أن تشمل على مجموعات مختلفة من الممثلين، لكن بما أن رواية "سندس" تركز على العلاقات الأسرية و تحدياتها، فإن الفئات المدروسة في هذا الأثر على وجه التحديد تقتصر على الرجال و النساء من مختلف الطبقات.

الكلمات المفتاحية: رواية «سندس»، رولا صبيح، نظرية «ميدان»، بير بورديو. تحليل.